

۵۷

پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی

«قسمت» و «قضا و قدر»

دفتر پنجاه و هفتم

www.ketab.ir

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

در دانشگاه‌ها

معاونت آموزشی و پژوهشی

اداره مشاوره و پاسخ

۱۱) مقدمه

۱۲) پیشگفتار

فصل اول - پیوستی قسمت و تقدیر

۱۹) معنای «حول» و «قوة»

۲۰) معنی «قوة» و «حول» چیست؟

۲۱) معنای تقدیر و قسمت

۲۲) تفاوت تقدیر و قسمت و رابطه آنها چگونه می باشد؟

۲۳) معنای «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم»

۲۴) سؤال بنده درباره عبارت شریفه «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم»

۲۵) می باشد. اول این که معنی این عبارت و تفسیر آن چیست؟ دوم این که معنی دو

واژه «حول» و «قوة» به چه معنا می باشد؟ و بعد از آن چه چند تا منبع معرفی کنید تا

تحقیقی پیرامون این عبارت شریفه داشته باشیم. احتمال خود را بپذیریم.

فصل دوم - اختیار انسان و تقدیر الهی

۳۱) اختیار انسان و علم خدا

۳۲) رابطه اختیار انسان با اراده و علم الهی چگونه است؟ این علم خدا همه چیز را از

قبل می داند و یا نمی توان بر خلاف تقدیر کاری کرد مستلزم جبر نیست؟ قدرتی الهی

چیز است؟ اگر قضا به معنای اتمام کار باشد، چگونه با اختیار انسان سازگار است؟

۳۸) همه چیز به دست اوست!

۳۹) در برخی از آیات و روایات آمده است که عزت و ذلت همه مردم به خواست

خدا است! آیا انسان در سرنوشت خود اختیار ندارد؟

۴۲) تقدیر خدا و تغییر سرنوشت

۴۳) آیا سرنوشت و تقدیر بر زندگی انسان حاکم است؟ این تقدیر است، حتمی

است یا قابل تغییر می باشد؟

۴۸ گرمی نخورم علم خدا جهل بود!

اگر تقدیر خدا و قسمت درست باشد و خدا از همان ابتدا سرنوشت ما را نوشته باشد آیا ما می توانیم آن را تغییر دهیم؟ و آیا این شعر خیام می گوید: «می خوردن من حق زائل می دانست» - گرمی نخورم علم خدا جهل بود! «درست است؟

۴۹ سعادت اختیاری یا اجباری!

ما توجه به معنی آیه که می فرماید «خداوند هرکس را بخواهد هدایت می کند» آیا سعادت و کمال ما در دست خودمان است یا این که ما در رسیدن به کمال خود نقش نداریم؟

۵۰ اختیار انسان و «شب قدر»

در سرنوشت انسان در هر سال در شب قدر رقم می خورد پس نقش ما در تعیین سرنوشت های خود چگونه می باشد؟

۵۱ عصمت امامان و تقدیر الهی

عصمت امامان و انبیاء بر اساس تقدیر الهی بوده است و یا این که مقام عصمت را با اختیار خود کسب کرده اند؟

آفرینش انسان و تقدیر الهی

۵۲ عالم ذر و سرنوشت

آیا ما انسان ها قبلاً در عالم ذر بوده ایم؟ عالم ذر چیست و چگونه است؟ آیا می توانست در عالم ذر سرنوشت ما تعیین شده است؟

۵۳ نامه سرنوشت

آیا این درست است که خداوند هر فردی را که فریده سرنوشت او را نیز تعیین کرده است؟ آیا همراه خلق شدن ما، نامه نوشته شده که در آن نیز خلق شده است؟

۵۴ پدر و مادر غیرانتخابی!

انسان ها در انتخاب والدین خود هیچ اختیار ندارند، برخی از آنها تحصیل کرده و پولدارند و برخی بی سواد و ساده اند، چنین سرنوشتی چگونه و با چه توجیهی با اختیار انسان سازگار است؟

۵۵ آفرینش گناهکار

چرا خداوند انسان گناهکار را آفرید تا به جهنم برود؟ اگر چنین انسانی اعتراض کند که من به اختیار خودم به دنیا نیامده ام چه پاسخی برای او هست؟

۵۶ آفرینش بدی!

آیا خداوند بدی را آفریده است و اگر نیافریده پس این همه ظلم و بدی ناشی از چیست؟ اگر خدا نمی خواست که انسان ها و جهان را این طوری نصی آفرید؟

۵۷ خدا و بدی ها

بالاخره بدی ها از حادّث ماست یا خدا؟

۹۴ انسان‌ها و بدی‌ها

میکن خدا هیچ وقت برای بنده‌اش بد نمی‌خواهد پس بالاخره اتفاق بدی که برای می افتد از خداست یا تقصیر خودش؟ (یا توجه به این که می‌کند خدا سختی‌ها را برای کسانی قرار میدهد که دوستشون ندره)

فصل چهارم - کار و ازدواج و «قسمت»

۱۰۱ قسمت و ازدواج

این که می‌گویند قسمت آدم به هرکس که باشد یا همان ازدواج می‌کنی! قسمت است؟ آیا ازدواج همه‌اش از روی قسمت است؟

۱۰۲ قسمت و کار

آیا هرکس هرچه بخواهد انجام دهد و یا تنبلی و بی‌حوصلگی کند و بعد بگوید قسمت این گونه رقم خورده بود، درست است؟

۱۰۸ تقدیر الهی و روزی

چرا خداوند روزی خاص فقیر را این قدر کم قرار داده که باعث آسیب به دین او گردد آیا روزی هر شخص ثابت است یا این که روزی هرکس بستگی به فعالیت او دارد؟

۱۲۳ رزق الهی و تلاش انسان

این که خداوند روزی مشکل داده روح دهد و نقش کار و تلاش انسان و یا دعا و توکل به چه مقدار است؟

فصل پنجم - حوادث و تقدیر الهی

۱۳۵ حادثه و تقدیر

کسی که بر اثر تصادف می‌میرد آیا باید بگوید یا خدا عمرش بوده است و حال آن که اگر انحراف به چپ ندانفت و یا با حالت خوابانده می‌رفت نمی‌مرد، اگر الان خودم را بکنتم می‌گویند پایان عمرش بومی سر هم خوردن را بکنتم می‌گویند عمرش باقی است؟ قضا و قدر در این رابطه چگونه است؟

۱۳۸ مجازات یا تقدیر؟!

آیا در این دنیا حوادث و بیماری‌ها از طرف خداوند مقدر برای انسان‌ها می‌گردد و می‌خواهد انسان را با آنها امتحان کند و یا مجازات کند و یا این که تمام این فانیات اقتصادی طبیعی زندگی ما می‌باشد؟

۱۴۰ شانس و قضا و قدر

آیا شانس ارتباطی با قضا و قدر دارد؟ گاهی اتفاق‌هایی برای انسان می‌افتد که از اختیار خارج است به این امور چه می‌توان گفت؟ شانس؟ خواست خدا؟ یا نتیجه کار خود؟

فصل ششم - تغییر تقدیر الهی

۱۴۷ تقدیر و گناه

آیا انجام گناه باعث تغییر تقدیر الهی می‌شود؟

۱۴۹ تقدیر و دعا

وقتی دعا می‌کنیم که خدایا همه مریضی‌ها را شفا بده و یا گرفتاری‌های ما را برطرف نما آیا به نوعی به سنت‌های الهی معایرت پیدا نمی‌کند چرا که اگر قرار باشد این دعاها پذیرفته شود معنایش این است که هیچ‌کس نباید از این دنیا بیرون و یا مشکلی داشته باشد؟

۱۵۱ دعا و رفع مشکلات

آیا دعا و نماز فقط به جهت تقویت معنویت و آرامش روانی به کار می‌روند یا این که در رفع مشکلات و سرنوشت دنیایی انسان هم مؤثر می‌باشند؟

۱۵۴ تقدیر و صدقه

تقدیر چگونه عامل دفع بلا و تغییر سرنوشت و تقدیر انسان در امور دنیایی می‌شود؟

۱۵۶ تقدیر و صله رحم

آیا صله رحم که امروزه عادت می‌کند تغییری در تقدیر محسوب می‌گردد یا خیر؟

۱۵۸ تقدیر و اجل

آیا مرگ، خلق اجل و تقدیر یکی صورت می‌گیرد یا عوامل دیگری هم در آن نقش دارند؟

۱۶۰ تقدیر قاتل و مقتول

با توجه به آیات قرآن اگر ساعت و لحظه مرگ مشخص قرار گیرد هیچ‌کس قادر نیست که آن را لحظه‌ای جلو یا به تأخیر اندازد. حال چرا قاتل را مجازات می‌کنند در صورتی که تقدیر مقتول آن بوده که باید در آن لحظه او را می‌کشد است؟

۱۶۲ راضی به رضای خدا

همیشه گفته می‌شود، باید راضی به رضای خدا بود، چه‌طور کسی که در زندگی مشکلات دارد و سرنوشت خوبی ندارد، راضی به رضای خدا باشد؟

۱۶۷ کتابنامه

«پرسش گر» از آفرینش انسان، رخ‌نمایی کرده؛ بر بال سبز خود، فرشتگان را فرانشانده، بر برگ زرد خود، شیطان را فرونشانده و در این میان، مقام آدمیت را نشان داده است. آفتاب کوی چه زیبا فرموده است:

«مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عَلَيَّ» و «مَنْ عَلَّمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ».

هم سؤال از علم خیزد هم برآید، همچنان که خار و گل از خاک و آب.

آری! هر که سؤال‌هایش آسمانی است، دانش و بینش پاسخش خواهد بود. پویایی و پایایی «جامعه» و «فرهنگ»، سرگریزیدنی‌های حقیقت‌طلبانه و پاسخ‌های خردورزانه است.

از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سر بلند جوانانی پاک دل، کمال خواه و پرسش‌گر می‌باشد و از دیگر سوی، از مکتبی، منع پر خوردار است که معارف بلند آن، گوارا نوش دل‌های عطشناک پرسش‌گر دانش‌جوست.

اداره مشاوره و پاسخ معاونت آموزشی و پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، محفل انسی فراهم آورده است، تا «ابر رحمت» پرسش‌ها را به «زمین اجابت» پذیرا باشد و نهال سبز دانش را بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم، به خود خواهیم بالید.

شایان ذکر است در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد، تاکنون بیش از پانصد هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است. این اداره دارای گروه‌های علمی و تخصصی، به شرح زیر است:

- قرآن و حدیث؛
- تربیتی و روان شناسی؛
- احکام؛
- اندیشه سیاسی؛
- فلسفه، کلام و دین پژوهی؛
- فرهنگی و اجتماعی؛
- حقوق و فلسفه احکام؛
- تاریخ و سیره؛
- اخلاق و عرفان؛
- ادیان و مذاهب.

آنچه پیش رو دارد، بخشی از پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی پیرامون «قسمت» و «رضا و قناعت» است که توسط محقق ارجمند حجت الاسلام والمسلمین علیرضا حیدرزاده کاشانی گروه کلام و دین پژوهی، پاسخ‌دهی شده و توسط صاحبان اندیشه و قلم حجت‌الاسلام قدردان قراملکی و احد ایمانی ارزیابی شده است.

بر آنیم تا با توفیق خداوند، به تدریج ادله این مجموعه را تقدیم شما خوبان کنیم. پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه شایسته و پربار مجموعه‌هایی از این دست خواهد بود.

در پایان از همه همکاران اداره مشاوره و پاسخ به خصوص حجت‌الاسلام والمسلمین صالح قنادی که در بازپژوهی و اضافات این اثر تلاش کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود و دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت (ع) و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه - به ویژه دانشجویان - از خداوند متعال مسألت داریم.

الله ولی التوفی ق

معاونت آموزشی و پژوهشی نهاد

پیشگفتار

یکی از پیشگامانی که همیشه برای انسان‌های کنجکاو و هوشمند مطرح بوده و دغدغه آن‌ها هم‌چنان ذهن بشر را به خود جلب کرده است، این است که آیا آنچه در جهان رخ می‌دهد طبق یک برنامه از قبل پیش‌بینی شده صورت می‌گیرد یا انسان به عنوان ابزاری جهت اجرایی شدن آن برنامه می‌باشد و هیچ اراده‌ای مخصوص تغییر یا تعیین آن ندارد و یا این‌که این جهان بدون برنامه قبلی بوده است و این انسان است که مختارانه هر فعلی که بخواهد انجام می‌دهد و بل این‌که علاوه بر برنامه داشتن جهان، انسان نیز مختارانه در زندگی خود مؤثر است.

این همان موضوع «قضا و قدر» است که از دیرباز مورد بحث و پاسخ افراد فراوانی قرار گرفته است و از قرن اول هجری در میان تفکر اسلام به طور ویژه مطرح گردیده است.

این بحث علاوه بر این‌که دارای جنبه‌های فلسفی و کلامی می‌باشد، دارای جنبه‌های روان‌شناختی نیز می‌باشد. از این‌رو فردی که برداشت صحیح و همه‌جانبه از قضا و قدر داشته باشد و رضایت به قضا و قدر الهی داشته باشد، ناملایمات دنیا او را از پا در نخواهد آورد و با اعتماد به خالق هستی و بدون آن‌که از معنای قضا و قدر، تفسیر جبرگرایانه داشته باشد، در زندگی اجتماعی خود فردی پیروز و سربلند خواهد بود. چنان‌که شخصیت بزرگ اسلام مانند پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ این چنین بودند.

اما برخی دیگر؛ به معنای عمیق این آموزه دینی پی نبرده‌اند و از آن به عنوان حرب‌ای در دست حاکمان جهت سلطه و تسلط هرچه بیشتر، سوءاستفاده کرده‌اند و مانع پیشرفت مسلمانان شده‌اند.

ویل دورانت در کتاب خود می‌آورد: «این اعتقاد به قضا و قدر، جبری‌گری را از لوازم تفکر اسلامی کرده است و پیامبر ﷺ و دیگر پیشوایان برای آن که به هنگام جنگ شجاعت را در دل مؤمنان برانگیزند از آن کمک می‌گرفته‌اند زیرا خطر، ساعت مرگ را جلو نمی‌آورد و احتیاط، آن را به عقب نمی‌برد در نتیجه این اعتقاد، مؤمنان سخت‌ترین مشکلات زندگی را با قلب مطمئن تحمل می‌کردند ولی همین عقیده در قرون اخیر مانع پیشرفت مسلمین شد و اندیشه آنها را از کار انداخت»^۱.
چه زیباست این آیه در توضیح این که انسان در انتخاب تقدیراتی که برای او در طول زندگی نوشته شده است، کاملاً دخیل می‌باشد:

«روزی ایشان در کنار دیوار شکسته کجی برخاستند شخصی از ایشان پرسید آیا از قضای الهی فرار می‌کنی؟ حضرت فرمودند از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم.»^۲
حضرت در این بیان کوتاه، درایی که طالب را عنوان می‌نمایند ایشان می‌فرماید: اعتقاد به قضای الهی به معنای حسن یا بد تقدیر الهی این است که زیر دیوار کج نشستن احتمال ریزش روی سر افراد را دارد و چنانچه کسی کنار این دیوار بنشیند، چه بسا این تقدیر و اندازه به قضا و نتیجه بی‌انجامد و دیوار فرو ریزد اما می‌توانم تقدیر را با اختیار خود تغییر دهم و از زیر دیوار برخیزم و تقدیر دیگری را برای خود رقم زنم و نتیجه دیگری را داشته باشم.

با این حکایت حکیمانه می‌توان به این نتیجه رسید که «این و سنت‌ها بر جهان حاکم است و هر حادثه دارای علتی است و هر پدیده و پیامبی دارای زمینه‌ها و مراحل قبلی است و نقش اراده و اختیار انسان آن است که کدام مسیر را انتخاب کند و یا در کدام مسیر پیش آمده و ناخواسته، هم‌چنان با خواسته خود بماند و نتیجه و پیامد خوب یا بد آن نیز دامن‌گیر او شود.
درباره جایگاه «قضا و قدر» الهی و رابطه آن با اختیار و تلاش انسان لازم است

۱. دورانت، ویل، «تاریخ تمدن»، ابوطالب صارمی و دیگران، ج ۴، بخش اول عصر ایمان، ص ۲۲۸.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، ص ۳۴۷.

به چند اصل اساسی توجه داشت که به طور مختصر در این پیشگفتار به آن اشاره می‌شود:

۱. درک صحیح و مفاهیم

لازم به ذکر است؛ بسیاری از ابهامات و کج اندیشی‌ها برخاسته از تعریف، تفسیر و برداشت نامناسب از «قضا و قدر» است. در حالی که با دقت در معنای لغت و اصطلاح می‌توان گفت: «قدر» به معنای فرایند اندازه‌ها و طی مراحل است و «قضا» به معنای حکم پایانی و نتیجه است و در مجموعه به این معناست که فرایند اندازه‌ها هر کار و فکری و طی مراحل هر مسیری ما را به نتیجه و فرجام خاص آن می‌رساند. به طور مثال؛ خواندن مطالب ریاضی و تسلط بر آن علم ما را به تخصص در ریاضیات می‌رساند و خواندن و طی مراحل آشنایی با فیزیک ما را به تخصص در فیزیک می‌رساند. چنان‌که در طبیعت نیز کشت و گندم و فرایند داشت و برداشت آن ما را به محصول گندم می‌رساند و کشت جو و طی فرایند آن ما را به محصول جو می‌رساند و در امور اجتماعی نیز طی مسیر و سلسله تحول همراه با احتیاط و همکاری و هم‌افزایی ما را به نتیجه مطلوب می‌رساند و سوء مدیریت و اختلاف و بی‌کندگی ما را به انحطاط می‌کشاند. و این همان نظام‌مندی جهان هستی است و نقش اختیار و انتخاب و تلاش انسان آن است که هر مسیری را انتخاب کند و هر چه بکارد بکارش را درو خواهد کرد، و نمی‌شود جو بکارد اما انتظار داشته باشد گندم درو کند!

۲. جامع‌نگری

لازم است به این واقعیت و حقیقت نیز باور داشته باشیم که عوامل تأثیرگذار در فرایند طی مراحل «قدر» و رسیدن به نتیجه «قضا» تنها به عوامل مادی و ظاهری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه عوامل معنوی و باطنی نیز تأثیرگذار است. بنابراین عامل باطنی بدینی در انجام کارها اختلال ایجاد می‌کند، چنان‌که خوش‌بینی در روان‌سازی کارها مؤثر است. هم‌چنین عوامل معنوی مانند دعا و صدقه در فراهم‌سازی شرایط و مصونیت از خطرها مؤثر است. چنان‌که آزار دیگران و غصب اموال دیگران در گرفتاری‌ها مؤثر است و در جلب و بهره‌مندی از عوامل معنوی

خود انسان و اطرافیان او مانند پدر و مادر و فرزند و حتی اجداد گذشته و دیگر افراد مرتبط نقش دارند. بنابراین اختیار و تلاش انسان فراهم کننده بخشی از شرایط است و عوامل باطنی و معنوی دیگر و دیگران نیز در وقوع یا عدم وقوع خواسته ما نقش دارند. این نشانه نظام مندی و همه جانبه بدان نظام هستی است.

۳. رقابت

باید دانست دنیا محل رقابت و گاهی مزاحمت است. به طور مثال اگرچه برای قبول در کنکور و یا رسیدن به یک امتیاز و خواسته ما تلاش می کنیم و از عوامل معنوی مانند دعا استفاده می کنیم. اما دیگران نیز با کوشش و دعای خود برای دستیابی به همین خواسته در حال تلاش هستند. بدیهی است هر کس از استعداد بیشتر و تلاش بیشتر و فراهم کردن شرایط مادی و معنوی بیشتر برخوردار باشد درصد بیشتری از نیاز او برای رسیدن به خواسته بیشتر خواهد بود و این اصل نیز نشانه نظام مندی و واقع بینی جهان هستی و زندگی انسان است.

مجموعه این گونه اصول و قوانین نظام مند که از سوی خداوند در جهان هستی و زندگی انسان برقرار شده در فرهنگ و ادبیات دینی به عنوان «قضا و قدر الهی» از آن یاد می شود، بنابراین می توان گفت قضا و قدر الهی گزاف و غیر قابل پیش بینی نیست، بلکه عوامل متعدد مادی و ظاهری و باطنی و معنوی به علاوه اختیار و تلاش آدمی در انجام یک کار یا رسیدن به یک خواسته نقش دارند که احتمال دارد برخی از دیده و دقت ما جهان مانده باشد، به همین جهت نام «قسمت» روی آن می گذاریم.

نکته پایانی این که در هر صورت اگرچه عوامل متعدد نقش دارند، اما اختیار و تلاش خود انسان نقش اساسی و مهم دارد و به مقداری که اختیار و تلاش انسان در ترسیت نقش داشته باشد، آدمی سزاوار تشویق و تنبیه و یا ثواب و عذاب می باشد.

آنچه در این کتاب در پی آنیم، بررسی ابعاد گوناگون این موضوع و کشف راز و رمزهای موفقیت انسان و نقش اختیار و تلاش انسان در نظام قضا و قدر الهی می باشند، به گونه ای که از جهت اعتقادی به یک هندسه فکری استوار برسیم و از جهت رفتاری به یک واقع بینی و مسئولیت پذیری شایسته دست یابیم.